

تعریف‌های جامعه‌شناختی

در دو نوشتار پیشین برخی از تعریف‌های دین‌شناسان غربی از دین را نقل و بررسی نمودیم. این تعریف‌ها عبارت بودند از: تعریف‌های ذاتی، تعریف‌های غایت‌انگارانه، تعریف‌های اخلاق‌گرایانه و تعریف‌های روان‌شناختی. در این نوشتار به نقل و بررسی تعریف‌های جامعه‌شناختی از دین خواهیم پرداخت.

فرانسوی، در دین‌پژوهی علمی، چهره‌ای مشهور و شناخته شده است، و آرای او در این باره، پیوسته مورد بحث و بررسی دین‌پژوهان پس از وی بوده است. وی در کتاب «شکل‌های ابتدایی حیات دینی»^(۱) (۱۹۱۲) در تعریف دین چنین گفته است: «دین نظام یکپارچه‌ای از اعتقادات و اعمال مرتبط با امور مقدس

تعریف‌های جامعه‌شناختی تعریف‌هایی‌اند که دین را بر اساس علل و آثار اجتماعی، و یا بر مبنای تحویل دین به پدیده‌ای اجتماعی تعریف کرده‌اند. در این جا برخی از این تعریف‌ها را نقل و بررسی می‌کنیم:

تعریف دورکیم

دورکیم^(۱)، جامعه‌شناس معروف

1. Durkeim, (1917-1858).

2. the Elementary forms of the Religious Life.

مانع نیست، یعنی در بین دینداران اموری یافت می‌شود که در عین این که از ویژگی قداست برخوردار است، ولی محرم و ممنوع نیست (مانند آشامیدنی و نوشیدنی‌های مقدس و متبرک) و بالعکس، امور محرم و ممنوع یافت می‌شود که دارای ویژگی قداست نمی‌باشد.^(۵) (مانند آشامیدنی‌ها و نوشیدنی‌هایی که منشأ حرمت آنها پلیدی و شیطانی بودن آنهاست).

با توجه به نقدهای یاد شده، «گودی» هر گونه تعریف دین بر اساس امر مقدس را رد کرده، و گفته است «مقوله‌بندی فعالیت‌های مذهبی انسان بر مبنای ادراک جهانی امر مقدس از سوی بشریت، درست‌تر از تقسیم‌بندی جهان به دو قلمرو طبیعی و فراطبیعی نیست که خود دورکیم نیز آن را رد کرده است».^(۶)

تعریف‌های دیگر

دیدگاه دورکیم، با وجود نقدهایی که

است، یعنی اموری که حرمت یافته و ممنوعه‌اند، اعتقادات و اعمالی که همه کسانی را که به آنها عمل می‌کنند، در ضمن يك اجتماع اخلاقی با هم متحد می‌سازد.^(۳)

ارزیابی

این مطلب که دورکیم در تعریف خود از دین دو عنصر اعتقادات و اعمال را به کار برده است، بر تعریف‌های تك بعدی از دین برتری دارد. در عین حال از جهاتی مورد نقد واقع شده است، یکی این که شمول امر مقدس نسبت به همه ادیان، به ویژه ادیان ابتدایی مشکل است. برخی از دین پژوهان که درباره مردم یکی از اقوام آفریقای غربی تحقیق کرده به این نتیجه رسیده است که آنان میان مقدس و غیر مقدس تمایزی قایل نمی‌شوند.^(۴)

نقد دیگر این که دورکیم از عنوان «ممنوع و محرم» برای توصیف امر مقدس استفاده کرده است، چنین عنوانی جامع و

۳. دین و ساختار اجتماعی، ص ۱۷؛ جامعه‌شناسی دین، ص ۲۲ دین پژوهی، ص ۱۱۱.

۴. جامعه‌شناسی دین، ص ۲۳.

۵. همان، ص ۲۴.

۶. همان، ص ۲۴-۲۵.

بر آن شده است، در اکثر رویکردهای مربوط به مسأله تعریف دین از منظری جامعه شناختی دارای نفوذ بوده است. اما دیدگاه او نوعاً با توجه ویری به مسأله معناداری تلفیق شده است. مقصود این است که از نظر کنشگر اجتماعی، دین پاسخی است به مشکلات وجودی حیات انسانی، به ویژه مسایلی نظیر بیماری و مرگ. ولی این پاسخ توسط فرهنگ‌های دینی ساخت می‌یابد و سمت و سوی آن مشخص می‌شود.

در جامعه‌شناسی معاصر، برخی از تعریف‌های مشهور دین، این دو بعد را با هم تلفیق کرده‌اند سه تعریف زیر از آن جمله است

۱. دین نظامی از نمادهاست که در جهت ایجاد حالت‌ها و انگیزش‌های نیرومند، فراگیر و دیرپا در انسان‌ها، از طریق تدوین مفاهیمی راجع به نظم کلی جهان و وجود و پوشاندن این مفاهیم با هاله‌ای از واقعیت، عمل می‌کند، به طوری که این حالت‌ها و انگیزش‌ها به

گونه‌ای منحصر به فرد واقع‌گرایانه به نظر می‌رسند.^(۷)

۲. دین، مجموعه‌ای از پاسخ‌های منسجم به پرسش‌های اصلی وجودی است که هر گروه انسانی با آنها مواجه می‌شود، و دسته‌بندی کردن این پاسخ‌ها در يك شكل اعتقادی که برای طرفدارانش مهم و معنادار است؛ بزرگداشت شعایری است که پیوندی عاطفی بین کسانی که در آن مشارکت می‌کنند فراهم می‌کند، و ایجاد دستگاه نهادی است که کسانی را که در آن آیین و بزرگداشت سهیم‌اند، در يك اجتماع گرد می‌آورد و موجبات تداوم این شعایر را از نسلی به نسل دیگر فراهم می‌کند.

۳. دین اقدامی انسانی است که بر اساس آن نظامی مقدس ایجاد می‌شود، به بیانی دیگر، دین نظم بخشیدن به زندگی به شیوه‌ای مقدس است. مراد از مقدس در این جا ویژگی و کیفیت نوعی قدرت رازآلود و مهیب است، قدرتی غیر از انسان و در عین حال مرتبط با او، اعتقاد بر این است

۷. کلیفورد گیتز، مقاله «دین به عنوان يك نظام فرهنگی» در کتاب «رویکردهای قوم‌شناسانه در مطالعه دین»

چاپ لندن، ۱۹۶۶، ص ۴. ر. ک: دین و ساختار اجتماعی، ص ۱۸؛ جامعه‌شناسی ادیان، ص

تعریف دین نسبت به ابعاد مختلف دین می‌باشند. علاوه بر این، تعریف‌های یاد شده دین را محصول و معلول علایق، افکار و خواست و اراده انسان می‌دانند و منشأ الهی داشتن آن را نادیده گرفته یا انکار کرده‌اند، بدین ترتیب ادیان و حیانی را شامل نمی‌شوند.

ژان پل وایلم علاوه بر فقدان جامعیت تعریف‌های جامعه‌شناختی، از جهتی دیگر نیز آنها را نقد کرده و گفته است:

حتی اگر دین هیچگونه نقش و عملکرد اجتماعی نیز نداشته باشد، به دین بودن آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد.

دین، حتی می‌تواند اصلاً نقش و عملکردی اجتماعی نداشته باشد، اما آیا این باعث از بین رفتن دین می‌شود؟ این اشتباه است که دین را فقط به نقش و کارکردهای اجتماعی آن، که در یک جامعه انجام می‌دهد، محدود سازیم، این یک دیدگاه سودانگاران است که سعی دارد امر دینی را چنین درک کند که گویی می‌توان

که این قدرت در برخی از امور که از سوی آدمی مورد تجربه قرار می‌گیرند، جای گرفته است.

انسان با این نظم مقدس همچون واقعیتی بی‌اندازه قدرتمند و جدای از خویش مواجه می‌شود. در عین حال، این واقعیت خود را به انسان نزدیک می‌کند و حیاتش را در نظمی به غایت معنادار به جریان می‌اندازد.

برایان ترنر^(۸)، درباره تعریف‌های یاد شده گفته است: «این تعاریف، نسبتاً، تعاریفی جامع، کارآمد و از جهاتی قانع‌کننده‌اند. به حد کافی بر مناسک و تجربه تأکید دارند و بدون این که دین را به نیازهای زیستی، منافع اقتصادی یا کشش‌های غیر عقلانی تقلیل دهند، آن را جدی گرفته‌اند.»^(۹)

در هر حال، تعریف‌های جامعه‌شناختی، از آن جا که به بعد اجتماعی دین و نقش و کارکرد اجتماعی آن اهتمام ورزیده‌اند، معمولاً فاقد ویژگی جامعیت

8. Bryans Turner.

۹. دین و ساختار اجتماعی، ص ۱۸-۱۹.

نظام‌های سمبولیک را در حد نقش کارکردی آنها کوچک کرد. (۱۰)

ژان پل ویلم، پس از بیان نقد مزبور، تعریف زیر را پیشنهاد کرده است:

۴. «دین عبارت است از یک ارتباط نمادین منظم از طریق آیین‌ها و اعتقادات ناشی از یک بنیانگذار فرهمند و جذاب که نوعی پیوند و تسلسل را موجب می‌شود».

وی، آنگاه در تبیین ویژگی‌های تعریف مزبور گفته است: «تعریفی که ما پیشنهاد کردیم اجازه می‌دهد که عالم دینی و تأثیرهای اجتماعی آن در سه سطح بازیگران، تشکیلات و سازمان‌ها، و عقاید و ایدئولوژی‌ها درک و شناخته شود. در سطح بازیگران، به خاطر تأکیدی که بر فعالیت دینی به عنوان یک فعالیت اجتماعی، به عمل می‌آورد، فعالیتی که نقش آن مرتبط ساختن افرادی است که خود، در ارتباط با یک جهان سمبولیک و نمادین، با مسأله مشروعیت دینی مواجه نیستند.

در سطح سازمان و تشکیلات، برای

این که دین دستگاهی است که برای مدت طولانی مستقر شده و طرز عمل‌های کارکردی و قدرت را پیاده می‌کند. در سطح عقیده و ایدئولوژی، به این دلیل که دین مجموعه‌ای از بازنمایی‌ها (تصاویر) و آداب و رفتاری است که بیان گردیده‌اند و در متون دینی گنجانده شده و پیوسته مورد شرح و تفسیر قرار گرفته‌اند» (۱۱).

تعریف پل ویلم، دین‌هایی را که بنیانگذار مشخص ندارند شامل نمی‌شود. در میان ادیان بزرگ، آیین هندو بنیانگذار مشخص ندارد، چنان که ادیان ابتدایی نیز چنین‌اند. از سوی دیگر، اگر چه بعد اعتقادی، رفتاری و مناسکی دین را مورد توجه قرار داده است، ولی بعد احساسی و عاطفی آن را بازنگفته است.

تعریف‌هایی که دین پژوهان غربی با رویکردهای مختلف از دین ارائه کرده‌اند، از نظر شمول مصداقی غالباً شامل و فراگیرند و ادیان مختلف اعم از ابتدایی و پیشرفته، الهی و غیر الهی، توحیدی و شرک آمیز را دربرمی‌گیرند، ولی از نظر

۱۰. جامعه‌شناسی ادیان، ص ۱۷۰.

۱۱. همان، ص ۱۷۸-۱۷۹.

احساسات (فردی و جمعی) است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است. این حقیقت را می‌توان بر حسب تفاوت ادیان با یکدیگر، واحد یا متکثر، مشخص یا نامتخصص، الوهی یا غیر الوهی و نظایر آن تلقی کرد.

به نظر می‌رسد تمام پدیده‌های فرهنگی‌ای که دین می‌نامیم در قالب این تعریف می‌گنجند. اعمالی که ادیان مختلف توصیه می‌کنند از انجام شعایر دینی تا التزام به یک زندگی اخلاقی متغیر است، احساساتی که مطلوب ادیان است از احساس خشیت و خشوع تا احساس خوش‌بینی نسبت به زندگی و جهان متغیر است، بنابراین، نباید اعمال و احساسات مشخصاً دینی را در قالب عبارات یک فرهنگ خاص تعریف کرد، در میان فرهنگ‌ها و ادیان تنوع زیادی وجود دارد.^(۱۲)

شمول ابعادی غالباً غیر شامل می‌باشند و به یک یا دو بعد از دین تأکید ورزیده‌اند، چنان که ویلیام آلستون، پس از نقل تعدادی از تعریف‌های دین گفته است:

قابل ذکر است که بیش‌تر این تعاریف بر یکی از ابعاد دین تأکید می‌کند و ابعاد دیگر آن را وامی‌نهد... به سختی انتظار آن را می‌توان داشت که با محدود ساختن خودمان به اعتقاد، احساس، مراسم و یا فعالیت‌های اخلاقی تنها، بتوانیم بیان درخوری از ماهیت چنان پدیده پیچیده‌ای به نام دین، که بالضروره، تمامی این صور فعالیت انسانی را دربردارد، به دست دهیم.^(۱۳)

۵. جامع‌ترین، یا لااقل یکی از جامع‌ترین تعریف‌هایی که دین پژوهان غربی ارائه کرده‌اند تعریف نویسندگان کتاب «عقل و اعتقاد دینی» است، آنان چنین گفته‌اند: «دین متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال،

۱۲. دین و چشم‌انداز نوین، ص ۲۲.

۱۳. عقل و اعتقاد دینی، ص ۲۰.